



نامه‌ی ۱۲۳ نفر از درویشان و منسوبان شیخ علی خالص طالبانی در شهر سنندج  
به دولت عثمانی

Hemin OMAR AHMAD\*

Makale Türü/Article Types: Araştırma Makalesi/Research Article

Makale Geliş Tarihi/Received: 28.04.2022

Kabul Tarihi/Accepted/: 13.06.2022

Atıf: Omar Ahmad, H. (2022).

“The Letter of 123 Figures of Dervishes and Sheikh Ali Khalis Talabani Followers from Sina to Ottoman Empire”,  
Bingöl Üniversitesi Yaşayan Diller Enstitüsü Dergisi, 15, 73-78.

DOI: 10.56491/buydd.1110227

نامه‌ی 123 کس له ده‌رویش و په‌یره‌وانی شیخ علی خالصی تالهبانی له شاری سنه بو ده‌وله‌تی عوسمانی

له کۆتایی سهدی نۆزده و کۆتایی حوکمی ده‌وله‌تی عوسمانی، ناوچه سنوورییه‌کانی نیوان ده‌وله‌تی ئیرانی و ده‌وله‌تی عوسمانی زۆرتین کیشه‌ی به‌خۆوه بینووه، به‌شیک له خه‌لکی بن ده‌سه‌لاتی ئیرانییه‌کان هه‌ولی ئه‌وه‌یان داوه بینه بن ده‌سه‌لاتی عوسمانییه‌کان، به‌تایبه‌تی له‌به‌ر فشاری مه‌زه‌به‌ی حوکمرانی شیعه له ئیران. شاری سنه (سه‌هنده‌ج) یه‌کێک بووه له‌و شارانه‌ی که چه‌ند بنه‌مه‌له‌یه‌کی زانستی له‌و شاره به‌ره‌و به‌غدا و ئه‌سته‌نبول کۆچیان کردووه. ئهم دۆکیۆمینته‌ی نیو ئه‌رشیقی عوسمانی که میژوووه‌که‌ی بو سالی 1911 ده‌گه‌رێته‌وه، کاریگه‌ری ته‌ریقه‌تی قادری به‌ رابه‌رایه‌تی بنه‌مه‌له‌ی شیخ عه‌بدولرحمانی تالهبانی که‌رکوکێ نیشان ده‌دا که په‌یره‌وانیان له شاری سنه بوونه و داوایان له ده‌وله‌تی عوسمانی کردووه که به‌ تایبعی ده‌وله‌ته‌که‌یان قبۆلیان بکات. له نیویاندا موقتی شاره‌که و 122 کس له شیخ و ده‌رویشانی ته‌ریقه‌ته‌که‌ ده‌بیزین.

وشه‌ی کللی: ته‌ریقه‌تی قادری، شاری سنه، ده‌وله‌تی عوسمانی، ده‌وله‌تی ئیران، شیخ علی خالص

Senendenc Şhrinden Osmanlıya Şeyh Ali Halis Talabani'nin 123 Derviş ve Mensubunun Mektubu

Özet

On dokuzuncu yüzyılın sonunda ve Osmanlı egemenliğinin son günlerinde, İran devleti ile Osmanlı imparatorluğu arasındaki sınır bölgeleri şiddetli gerilimler yaşadı. İran'ın elindeki nüfusun bir kısmı, İran Şii hükümetinin baskısı nedeniyle Osmanlı otoritesi tarafından yönetilmeye çalışıldı. Sina şehri (Senendec), bazı âlim ailelerinin Bağdat ve İstanbul'a göç ettiği şehirlerden biriydi 1911 yılına dayanan bu Osmanlı arşiv belgesi, Kerkük'lü Şeyh Abdulrahman Talabani'nin ailesi tarafından yönetilen ve Sina'daki takipçilerinin Osmanlı İmparatorluğu'nun kendilerini devletin takipçisi olarak kabul etmesini gerektiren Kadri tarikatının etkisini göstermektedir. Bunlar arasında şehrin müftüsü ile tarikatın 122 Şeyh ve derviş şahsı da vardı.

**Anahtar Kelimeler:** Sina Şehri, İran Devleti, Osmanlı Devleti, Kadri Tarikati, Şeyh Ali Halis Kerkuki

\* Dr. Öğr. Üyesi, [heminahmad40@gmail.com](mailto:heminahmad40@gmail.com), Orcid: 0000-0003-1985-9512

## The Letter of 123 Figures of Dervishes and Sheikh Ali Khalis Talabani Followers from Sina to Ottoman Empire

### Abstract

At the end of the nineteenth century and the final days of Ottoman authority, the border areas between the state of Iran and Ottoman empire experienced severe tensions. Part of the population under the power of Iran sought to be ruled by Ottoman authority due to the pressure of Iranian Shia government. The city of Sina (Sanandaj) was one of the cities from which some families of scholars had immigrated to Baghdad and Istanbul. This document of Ottoman archive which dates back to 1911 shows the effect of Qadri order led by the family of Sheikh Abdurrahman Talabani from Kirkuk whose followers in Sina required Ottoman Empire to accept them as the followers of the state. Among them, there were the Mufti of the city and 122 other figures of Sheikh and dervishes of the order.

**Key Words:** City of Sina, Iran State, Ottoman State, Qadri Order, Sheikh Ali Khalis Kirkuki

بدیهی است که در تاریخ مذهبی ملت کرد، خانواده‌ی شیخ عبدالرحمن خالص طالبانی یکی از خانواده‌های برجسته‌ی علمی و مذهبی شهر کرکوک بوده‌اند. پیرو طریقت علیّه قادری بودند. آموزه‌های این طریقت نه تنها در شهر کرکوک بلکه به کشورهایی از جمله ایران و ترکیه و شهرهای دیگر هم رسید. یکی از شهرهایی که شعله‌های این طریقت آن را در بر گرفت شهر سنندج بود. در اواخر حکومت عثمانی مناطق بین عثمانی و ایران شاهد مسائل مذهبی بودند. برخی از علمای شهر سنندج در اعتراض به دولت ایران به سرزمین عثمانی هجرت کردند، مانند خانواده‌ی عبدالقادر مهاجر و خانواده‌ی مردوخی که در اواخر قرن ۱۹ میلادی به بغداد و استانبول مهاجرت کردند.

این سند از اسناد آرشیو شده‌ی دولت عثمانی است که در سال ۱۳۲۹ هجری (1911 میلادی) نوشته شده است که نشان می‌دهد ۱۲۳ نفر از مریدان و درویشان و منسوبان شیخ علی خالص طالبانی در شهر سنندج نامه‌ای برای دولت عثمانی نوشته‌اند و نشان می‌دهد که آنها از ناظم بیگ شابندر، نماینده دولت عثمانی در شهر سنندج می‌خواهند که تابع دولت عثمانی باشند. این نوشته را به وزارت امور خارجه‌ی دولت عثمانی می‌رسانند و بعد به زبان ترکی ترجمه می‌کنند. در بین مشایخ و نامداران شهر سنندج ملا عبدالله مفتی شهر، شیخ محمد قادری و چند درویش و منسوب دیگر هم هستند.

شیخ علی کرکوکی طالبانی فرزند حاج شیخ عبدالرحمن طالبانی از مشایخ و عرفای طریقه قادریه و از علمای بزرگ حدیث و تفسیر بوده است که در کرکوک سال 1330

هجری پس از 70 سال زندگی وفات یافته است. شیخ علی علاوه بر قرآن مجید، حافظ احادیث صحیح بخاری نیز بوده و بیشتر اوقات به تدریس علم حدیث می پرداخته است<sup>1</sup>.

ملا عبدالله مفتی فرزند ملا محمود دشی، سال 1273 هجری در قریه دشه از قرای هورامان متولد شده است. هشت ساله بوده که پدرش درگذشته و تا سن پانزده سالگی به علت نداشتن سرپرست، چندان به تحصیل رغبت نشان نداده است، تا اینکه شیخ محمدبهاءالدین عثمانی نقشبندی به پاس اینکه از يك طرف خود شاگرد ملا محمود و از طرف دیگر ملا محمود مرید و مجاز والد ماجدش شیخ سراج الدین بوده است، شخصا تربیت فرزند را بر عهده می گیرد و او را برای ادامه تحصیل به مسافرت وا می دارد. ملا عبدالله ابتدا در شهر سنندج و اطراف آن مدتی درس می خواند، آنگاه به آبادی (نودشه) هورامان می رود و نزد علامه شهیر آن عصر حاج ملا احمد نودشی تلمذ می کند. پس از مدتی با کسب اجازه از شیخ بهاءالدین راه اربیل را پیش می گیرد و نزد استاد حاج عمر افندی اربیلی مدتی درس می خواند و به سال 1299 به اخذ اجازه موفق می شود. پس از آن چند صباحی در قریه (گولپ) عراق به تدریس می پردازد، اما به علت گرفتاری خانوادگی از آنجا به زادگاه خود دشه برمی گردد و با کمال جدیت تدریس و تعلیم طلاب را وجهه همت خود قرار می دهد.

ملا عبدالله در سنه 1313 هجری به سنندج سفر می کند، خواص شهر که از میزان علم و دانش وی آگاه بوده اند وسایل اقامتش را در آن شهر فراهم می کنند. آن مرحوم دعوت مردم را می پذیرد و در مسجد امام زاده پیر عمر در آغاز کار به سمت تدریس منصوب می شود.

در سال 1325 هجری به تهران سفر می کند و با بسیاری از علما و رجال معروف آن عصر پایتخت آشنایی به هم می رساند و در اغلب محافل و مجالس با بیانی شیوا و منطقی مستدل ضمن مباحثه علمی و دینی، مراتب فضل و دانش خود را به همگان ثابت می کند و در همین سفر به دریافت لقب (مفتی) نایل می گردد. پس از مراجعت به سنندج در مدرسه دار الاحسان تدریس خود را از سر می گیرد. وی تا پایان حیات به نشر علوم دینی و ادبی و ترویج دین و سخنرانیهای مذهبی اهتمام ورزیده است. مرحوم ملا عبدالله مفتی در همه علوم متداول فرید عصر خود بوده است. حافظه بسیار قوی و هوش و استعداد سرشاری داشته و در طلافت بیان و قدرت استدلال کسی به

<sup>1</sup> تاریخ مشاهر کرد (عرفا، علما، ادبا، شعرا)، بابامردوخ روحانی، با کوشش محمد ماجد مردوخ روحانی، جلد دوم، انتشارات سروش، تهران 1382، ص 129.

پای او نرسیده است. در نهایت فروتنی و تواضع و نیک نفسی و تقوی و پرهیزکاری و مهماندوستی می زیسته و به مال دنیا چندان توجهی نداشته است، نثر و نظم را خوب می نوشته و آثار و تألیفات زیادی داشت که قسمتی از آنها در رفت و آمد شهر و روستا از بین رفته و آنچه باقی مانده از این قرار است:

1- کتابی به فارسی در فرایض و مواریث

2- کتابی در نحو به نام اکبریه

3- رساله‌ای به عربی در اثبات نبوت حضرت خاتم با دلایل عقلی

4- رساله‌ای در علم کلام و عقاید

5- عقیده به زبان کردی هورامی

مرحوم ملا عبدالله مفتی شب سه شنبه 25 ربیع الاخر سال 1342 هجری در سندج دار فانی را وداع گفته و با تجلیل شایان بر تپه شیخ محمد صادق به خاک سپرده شده است.<sup>2</sup>

### متن نامه:

این جانبان که زمره مشایخ و در ایش طریقه علیّه قادریّه مبارکه و اهل سنت و جماعت و منسوبین حضرت غوث ثانی حاجی الحرمین شیخ علی افندی کرکوکی طالبانی قدس الله سرّه العالی و ساکنین بلده سندج هستیم. با کمال طواعیت و رغبت طالب و خواهان میباشیم تبعیت دولت علیّه عثمانیه را اختیار نمائیم و از جمله دعاگویان ملت آن دولت معدود و محسوب باشیم و در این ورقه در دست جناب سعادت‌آب احمد بیگ ناظم افندی شهبندر سنه و مستمسک باشد و فعلا از این بیرق رفیع دولت علیّه و در این فتنه که در بلده سندج حدوث به هم رسانیده و امنیت میطلبیم و حفظ و حراست جان و مال میخواهیم. امیدواریم که سلطان اسلام ابداله خلافته بفریضه خرد حمایت و وقایه تمام اسلامیان خاصه گروه اهل علم و جمله شریعت و طریقت غرار ابهم سنیه ملوکانه بجآورند. فی 12 شهر شوال المکرم سنه.<sup>3</sup>

مفتی سنه عبدالله

<sup>2</sup> تاریخ مشاهر کرد (عرفا، علما، ادبا، شعرا)، بابامردوخ روحانی، با کوشش محمد ماجد مردوخ روحانی، جلد دوم، انتشارات سروش، تهران 1382، ص 171.

<sup>3</sup> BEO 3975 - 298113

شیخ محمد قادری

شیخ محمد حسن قادری

میرزا عبدالکریم خدمتچی

وباقی درویشان

### نتیجه

این سند نشان می دهد که:

- نفوذ فرقه قادریه نه تنها در قلمرو امپراتوری عثمانی، بلکه در شهر سنندج تحت سلطه ایران نیز بوده است.

- معلوم نیست فتنه سنندج چه بوده اما به نظر می رسد درگیری مذهبی بین مراجع شیعه و مردم سنی سنندج بوده است.

- این سند و بسیاری از اسناد دیگر نشان می دهد که علما و فرقه های اسلامی تحت نظارت قلمرو قاجاری هرگاه با موانعی مواجه شده، به دولت عثمانی متوسل شده و خواهان تابعیت می شدند.

- سند نشان می دهد که پیروان نه تنها از شاگردان فرقه قادریه، بلکه ملا عبدالله، مفتی شهر نیز بوده اند.

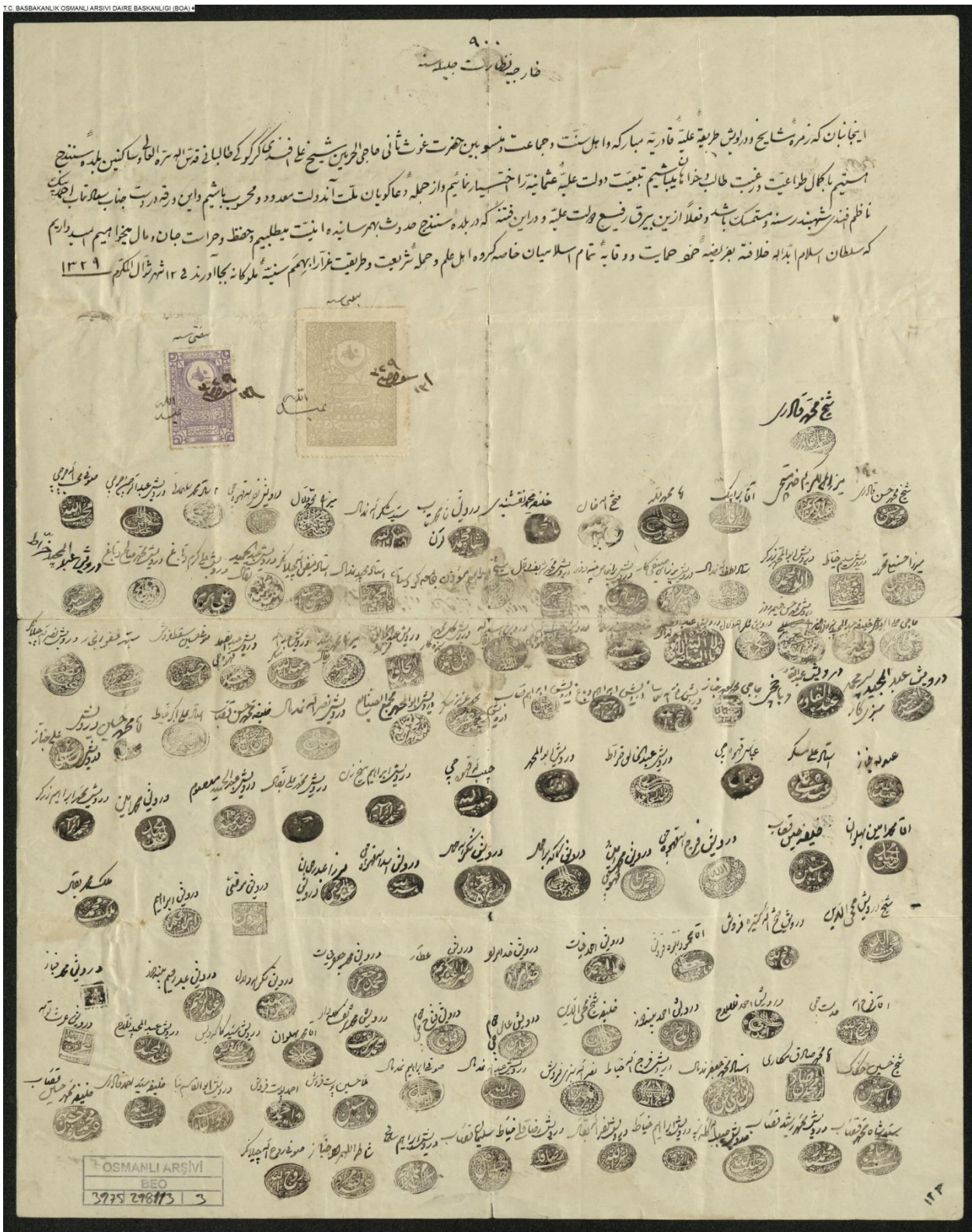
منابع:

1- تاریخ مشاهر کرد (عرفاء، علما، ادباء، شعرا)، بابامردوخ روحانی، با کوشش محمد ماجد مردوخ روحانی، جلد دوم، انتشارات سروش، تهران 1382.

2- ارشیو دولت عثمانی

BOA. BEO 3975 – 298113

T.C. BASBAKANLIK OSMANLI ARSIVI DAİRE BASKANLIĞI (BGA)



BEO.003975.298113.003